**نام مقاله: اطلاع رساني و توسعه از نگاهي ديگر**

**نام نشريه: فصلنامه كتابداري و اطلاع رساني (اين نشريه در www.isc.gov.ir نمايه مي شود)**

**شماره نشريه: 33 \_ شماره اول، جلد 9**

**پديدآور: محمد حسن زاده**

**مترجم:**

**چكيده**

**توسعه به لحاظ علمي و نظري با پيچيدگيهاي خاصي رو به روست. توسعه، فرايندي فراگير است كه تمامي جنبه‌هاي زندگي اجتماعي را در بر مي‌گيرد. چون تغيير به عنوان اصل اساسي و ركن اصلي توسعه تلقي مي‌شود و تغيير بدون داشتن اطلاعات يا ممكن نيست يا به نتيجه مناسب نمي‌انجامد، اطلاع‌رساني در راستاي توسعه بايد در رأس برنامه‌ريزيها قرار گيرد. اين مقاله با مرور نوشته‌هاي پنج تن از نويسندگان و انديشمندان در حوزه توسعه و اطلاعات، از يك‌سو مباني نظري موجود در مورد توسعه را بررسي و از سوي ديگر، ‌نقش اطلاعات، ‌ مراكز اطلاع‌رساني و مديريت اطلاعات را در تسريع فرايند توسعه تبيين مي نمايد.**

**كليدواژه‌ها: توسعه اطلاعات مدار، ‌اطلاع‌رساني**

**مقدمه**

**توسعه به لحاظ عملي و نظري با پيچيدگيهاي خاصي روبروست. تعبيرهاي مختلف از توسعه، تعيين سطح توسعه يافتگي و توسعه نيافتگي جوامع با در نظر گرفتن تنوع جوامع به لحاظ نوع ( روستايي و شهري)،‌ زيرساختهاي موجود،‌ رويكردهاي سياستگذاران, مسئولان ملي و بين‌المللي و مؤلفه‌هاي تأثيرگذار بر آن، پيچيده‌تر نيز مي‌شود. ماهيت پوياي مؤلفه‌هاي اجتماعي, سياسي, اقتصادي و فرهنگي جامعه نيز در اعصار مختلف موجب شكل‌گيري فرايندهاي گوناگون توسعه مي‌گردد. گرايش فزاينده به سوي اطلاعات و دخالت مؤثر اين پديده در ساختارها و زواياي مختلف جوامع بشري و جابه‌جايي در قدرت(تافلر,‌1377)، فصل نويني از مسائل و چالشها را پيش روي انديشمندان و مسئولان توسعه قرارداده است. از آنجا كه نگارنده‌ در دو مقاله جداگانه[2] به بررسي مفهوم توسعه و مؤلفه‌هاي آن پرداخته است،‌ اكنون در نظر دارد با مرور نوشتارهاي پنج تن از نويسندگان و انديشمندان در حوزه توسعه و اطلاعات,‌ از يك سو مباني نظري موجود در مورد توسعه را مطالعه و بررسي كند و از سوي ديگر، نقش اطلاعات، مراكز اطلاع‌رساني و مديريت اطلاعات را در تسريع فرايند توسعه تبيين نمايد. در اين راستا از متون موجود در زمينه توسعه و مباحث مربوط به آن نيز استفاده ممكن به عمل آمده است.**

**رويكردهاي نظري به مفهوم "توسعه"**

**پس از جنگ جهاني دوم, سه رويكرد نسبت به مفهوم توسعه جوامع,‌ بويژه در جوامع روستايي پديد آمد:**

**الف) رويكردي كه در اواخر دهه 1950 و اوايل دهه 1960 رايج شد،‌ توسعه را به معناي رشد توليد ناخالص ملي (GNP) قلمداد مي كرد. در اين طرز تلقي از مفهوم توسعه، دولتها رشد اقتصادي را بهترين هدف در راستاي توسعه براي خود انتخاب كردند.**

**ب) رويكردي كه در اوايل دهه 1970 به عنوان تحولي در رويكرد اول به عرصه ظهور درآمد، توسعه همراه با توزيع مجدد منابع را سرلوحه اصول خود قرار داده بود. اين رويكرد، منجر به اصلاحات ارضي و راهبردهاي مشابه شد كه رشد توليدات كشاورزي و كسب ارز خارجي جهت نوسازي صنعتي، از سياستهاي حمايتي آن بود.**

**ج) روندي كه از دهه 1980 آغاز شد، تأمين نيازهاي اساسي مردم فقير را هدف عمده خود قرار داده و موضوع پايداري[3] را به عنوان شاخص عمده رشد و توسعه جامعه قلمداد نمود تا نيازهاي اساسي مردم بدون آسيب رساندن به منابع زيست محيطي, اجتماعي و حفظ تعادل زيست ـ بومي برآورده شود (عمادي، 1379).**

**با توجه به رشد روزافزون فقر در سطح منطقه‌اي و بين المللي و عواقب زيست محيطي و تخريب محيط زيست در نقاط مختلف جهان، روشن مي‌شود كه اين روندها موفقيت آميز نبوده‌اند. بدين جهت، برخي در قبال اين روند,‌ اصول آنها را پذيرفته و بر تداوم همراه با تجديد نظر در شيوه اجراي آنها، پافشاري مي‌كنند. در مقابل، برخي به شكل بنيادي بر لزوم تغيير و تحول در كليه اصول آنها عقيده دارند. اما با در نظر گرفتن موفقيتهاي طرحهايي كه براساس توجه به نيازهاي اساسي انسان به صورت پايدار در كوبا, چين, هندوستان و سريلانكا پايه‌ريزي شده بودند، مي‌توان گفت كه رويكرد سوم، با توجه به اينكه اصول اساسي خود را بر شناخت و آگاهي از نيازهاي اساسي و القاي اطلاعات مورد نياز براي جوامع, بويژه جوامع روستايي استوار كرد،‌ موفقيت بيشتري نسبت به ساير رويكردها كه صرفاً نظري و يكسو نگر بوده‌اند,‌ داشته است.**

**توسعه و ابعاد آن**

**داورپناه (1381) توسعه را فرايندي مداوم دانسته و آن را به عنوان چارچوبي مفهومي براي تغييرات فردي,‌ نهادي,‌ ملي و بين المللي براي ‌"پيشرفت" تلقي كرده است. وي به نقل از حرّي (1372) توسعه را قابليت توان به كارگيري شيوه هاي مطلوب و فناوري مناسب به منظور افزايش ظرفيت و كيفيت توليد (توليد به معناي عام) تعريف نموده است.**

**توسعه در سطح خرد و كلان شامل تغييرات اساسي در جامعه در ابعاد مختلف سياسي, فرهنگي,‌ اجتماعي, اقتصادي, صنعتي, مديريتي و كشاورزي است. هرگونه برنامه‌ريزي براي توسعه, بايد همه اين ابعاد را مورد توجه قرار دهد. در هر كدام از اين ابعاد، مؤلفه‌هاي مختلفي دخيل هستند كه قابل بحث و بررسي است. توسعه ملي، مستلزم توسعه يكپارچه, هماهنگ و متعادل در همه جنبه‌هاي زندگي يك ملت است. استراتژي توسعه، نيازمند استفاده بهينه از انسان, مواد, ماشين, تفكرات, سرمايه, روشها, بازار و ارتباطات و اطلاعات است.**

**يكي ديگر از مفاهيمي كه در مورد توسعه در دهه‌هاي اخير گسترش يافته، توسعه پايدار است. توسعه پايدار، مفهومي است كه براي بسياري از كشورها به عنوان الگويي براي توسعه همه‌جانبه شناخته شده. كلارك[4] (1996) توسعه پايدار را توسعه‌اي مي‌داند كه نيازهاي حال را بدون لطمه زدن به منابع نسلهاي آينده برآورده مي‌سازد. طلايي (1376) نيز تعريف بالا را پذيرفته است. سالاري (1381),‌ با جمع‌بندي از تعريفهاي مختلف در مورد توسعه پايدار، نتيجه گرفته است كه توسعه پايدار:**

**§ يك فرايند است**

**§ مبنا و لازمه پيشرفت به شمار مي آيد**

**§ توسعه اي متوازن و همه جانبه را شامل مي‌شود**

**§ دارايي‌ها و منابع نسل‌هاي آينده را تخريب نمي‌كند.**

**شاه‌شجاعي ( 1378) با تأكيد بر توسعه در جوامع روستايي, ارتباطات و اطلاع‌رساني را به عنوان يكي از اركان اصلي برنامه‌ريزيهاي ملي و توسعه روستايي در كشورهاي مختلف جهان ارزيابي كرده و با استناد به "مردال و گولت" ,‌ توسعه را به عنوان حركتي از پايين به بالا, تغيير اجتماعي و آزادسازي انرژي انسانها، تلقي نموده است.**

**از مرور متون مذكور مي‌توان چنين نتيجه گرفت كه توسعه با تغيير همراه است. اين مفهوم به صورت فراگير پس از جنگ جهاني دوم مطرح شده است (ازكيا,‌ 1381). به نظر مايكل تودارو (1366) توسعه جرياني چند بعدي است كه مستلزم تغييرات اساسي در ساخت اجتماعي, طرز تلقي عامه مردم, نمادهاي ملي و نيز تسريع رشد اقتصادي, كاهش نابرابري و ريشه كن كردن فقر مطلق مي‌باشد. علاوه بر اين ها, مفهوم توسعه با اطلاعات نيز رابطه‌اي تنگاتنگ دارد. قسمت بعدي اين نوشتار، به اين مورد اختصاص دارد.**

**اطلاعات و توسعه**

**اطلاعات از جهات مختلف با توسعه در ارتباط است. از آنجا كه توسعه با تغيير همراه است، تغيير بدون اطلاعات امكان‌پذير نيست و چنانچه صورت پذيرد، نتايج مطلوب به همراه نخواهد داشت. معيار توسعه‌يافتگي چيزي جز قابليت توليد و استفاده از اطلاعات نيست. توسعه سياسي به عنوان يكي از ابعاد توسعه، به افزايش عقلانيت,‌ آگاهي, علمي نگري, مشاركت دموكراتيك و عادلانه در امور اجتماعي مربوط مي‌شود و ايجاد دموكراسي با شهروند مطلع, حقوق مساوي و عادلانه براي مشاركت در امور دولتي و مسئوليت‌پذيري تك‌تك افراد جامعه ممكن مي‌شود. دستيابي به همه اين مشخصه‌ها به ميزان اطلاعات افراد جامعه بستگي دارد. در توسعه فرهنگي و انساني كه مردمان يك جامعه محور توسعه تلقي مي شوند، به توسعه به عنوان آزاد سازي انرژي انسانها و به كارگيري قدرت آنها در جهت اهداف تعيين شده، نگريسته مي‌شود.‌ درآمد سرانه, وضعيت بهداشتي, تغذيه و دسترسي به ظرفيتهاي آموزشي، شاخصهاي توسعه انساني را تشكيل مي‌دهند و انسان توسعه‌يافته، با ذهن غني, توسعه‌يافته,‌ چند بعدي با قدرت تجزيه و تحليل تصور مي‌شود,‌ اطلاعات پايه و اساس آگاهي و ميزان مشاركت مردمان جامعه را تشكيل مي‌دهد و در غير اين صورت دشمن واقعي توسعه, خود مردم و فرهنگ آنهاست (داورپناه, 1381). توسعه اجتماعي و اقتصادي به پيش بيني,‌ برنامه‌ريزي, امكان سنجي, هدف گذاري,‌ انتخاب راهبردها, پيوستگي و انتخاب شيوه‌هاي مناسب ارزشيابي متكي است كه از طريق دسترسي به اطلاعات مناسب، تسريع مي‌شود.**

**توسعه صنعتي نيز به نتايج تحقيقات علمي براي توليد كنندگان و توسعه محصولات جديد وابسته است و در اين راستا، نوآوري كليد بقاي صنعت در عرصه رقابت در توليد مي باشد. موفقيت همه اينها در گرو دستيابي به آخرين اطلاعات و انتقال آن به فرايند توليد مي باشد. اين در حالي است كه جامعه صنعتي در حال گذر به جامعه فرا صنعتي است و اطلاعات و صنايع اطلاعات ـ مدار، نقشي تعيين‌كننده و تأثيرگذار دارند. روند توسعه كشاورزي, روستايي, مديريتي, زيست محيطي و ... همگي با وجود اطلاعات تسريع مي‌شود.**

**همان‌گونه كه مشخص شد, اطلاعات مي‌تواند در فرايند توسعه و ابعاد مختلف آن نقش اساسي و تعيين كننده اي داشته باشد. براي بسترسازي و ادامه تأثيرگذاري اطلاعات در فرايند توسعه يا به عبارت ديگر, تأمين اطلاعات مورد نياز و مناسب براي فرايند توسعه، توجه به سه عامل ضروري است:**

**الف) اطلاع‌رساني توسعه مدار**

**ب) مديريت اطلاعات**

**ج) پي‌ريزي سياستهاي اطلاع‌رساني**

**قسمتهاي بعدي مقاله حاضر به بررسي اين سه عامل مي‌‌پردازد.**

**اطلاع‌رساني توسعه مدار**

**در حوزه اطلاع‌رساني, علم كتابداري و اطلاع‌رساني بيشتر از ساير علوم نمود پيدا مي‌كند، زيرا مسئولان اين علم در طول تاريخ پيدايش و فعاليت آن، به گردآوري, سازماندهي و اشاعه اطلاعات (اطلاع‌رساني) پرداخته‌اند. اكنون با ورود به عصر اطلاعات، نقش آنها برجسته نيز مي‌شود. دياني (1379) نخستين كسي است كه لزوم توجه به اطلاع‌رساني توسعه مدار را به عنوان يكي از مباحث بنياني كتابداري و اطلاع‌رساني در ايران مورد بررسي قرار داده است. وي با اشاره به سابقه 25 ساله برنامه كتابداري در ايران، كتابخانه‌ها را واحدهايي مستقل و كتابداران را مديراني درونگرا, تكليف مدار و ماهر در كار با ابزارها توصيف نموده است كه بين كتابخانه‌ها و مراجعان و كتابخانه‌ها با همديگر فاصله وجود دارد. وي اين شرايط را سازگار با شرايط اطلاع‌رساني توسعه مدار نمي‌داند و با تعريف مفهوم "اطلاع‌رساني براي توسعه" به عنوان ديد كلان و حركت يكپارچه همه مراكز در جهت رفع نيازهاي علمي و تحقيقاتي همه آحاد جامعه, پنج اصل را براي گذر سالم به مرحله اطلاع‌رساني مؤثر براي توسعه در ايران، شناسايي مي‌كند:**

**1. توجه جدي به دانش مديريت به عنوان نرم افزار پيشرفت**

**2. وجود سياست علمي و سياست اطلاع‌رساني مبتني بر موازين و قوانين**

**3. مشاركت جدي و فعال در تصميمات و تعهد به مسئوليت حاصل از مشاركت و تصميمات**

**4. برقراري مديريت مردم مدار و برقراري ثبات در مديريت و امكانات**

**5. اداره مدبرانه مقاومت در برابر تغيير در ارزشها و مهارتها**

**دياني، نبود سياست اطلاع‌رساني، بي‌ثباتي در برنامه ها , مديريت و امكانات , مقاومت در برابر تغيير و ناكارآمدي نظام آموزشي كتابداري ايران را از جمله تنگناهاي رواني ـ اجتماعي موجود در راستاي اطلاع‌رساني توسعه مدار بر مي‌شمارد و لزوم مديريت دوره انتقال از فرهنگ كتاب‌رساني منفعل به فرهنگ اطلاع‌رساني پويا را يادآور مي‌شود.**

**مديريت اطلاعات**

**.**

**A1**

**A2**

**A3**

**J1**

**J3**

**J2**

**.**

**.**

**.**

**.**

**.**

**.**

**.**

**.**

**.**

**.**

**.**

 **1900**

**1920**

**1940**

 **1960**

 **1970**

**.**

**0**

**.**

**.**

**.**

**10**

**20**

**30**

**40**

**ساختار در حال تغيير صنايع در ژاپن و ايالات متحده**

**منبع:Research institute of Telecommunication and Economics. Tokyo, OECD. IT. & New Growth opportunities. P. 51**

**صنايع كارخانه‌اي(U)**

**خدمات(U)**

**صنايع كشاورزي(U)**

**صنايع اطلاعاتي(U)**

 **صنايع اطلاعاتي(J)**

 **صنايع كارخانه‌اي(J)**

 **صنايع كشاورزي(J)**

**خدمات(J)**

**مديريت اطلاعات، طيف وسيعي از حوزه‌هاي مختلف ـ اعم از منابع انساني, مالكيت فكري,‌ اداره كتابخانه‌ها, ذخيره, سازماندهي, اشاعه و مصرف اطلاعات ـ را در بر مي‌گيرد و به وجودآمدن شبكه هاي اطلاع‌رساني،‌ چشم انداز نويني را فرا راه مديريت جديد گشوده و وظايف اين حوزه از علم اطلاع‌رساني و كتابداري را خطيرتر كرده است (شاه شجاعي, 13). به نظر شاه‌شجاعي،‌ گرايش به دانش و اطلاعات يكي از خصوصيات جهان معاصر است و در نتيجه رشد روزافزون و تنوع غيرقابل تصور اطلاعات, انقلاب اطلاعات در حال بروز است و حجم اطلاعات جهان در هر سه يا چهار سال دو برابر مي‌شود. از سوي ديگر,‌ گرايش به فعاليت هاي اطلاعات ـ مدار نيز افزايش يافته است**

**همان‌گونه كه در نمودار بالا مشاهده مي‌شود و نقاط عطف كشور ژاپن (J1, J2, J3 ) و ايالات متحده (U1, U2, U3 ) نشان مي دهد, صنايع اطلاعاتي در هر دو كشور بر همه صنايع پيشي گرفته و رو به فزوني دارد. به نظر مي‌رسد مهم ترين عامل پيشرفت كشورهاي به اصطلاح شمال در توسعه اجتماعي,‌ اقتصادي و فرهنگي، توجه روزافزون آنها به مديريت اطلاعات است. اصطلاح مديريت اطلاعات در اواسط دهه 1970 توسط كميسيون ملي آمريكا به منظور كاهش كاغذسالاري و كاهش هزينه‌هاي سازمانها و مؤسسه‌هاي دولتي مطرح شد.‌ در انگلستان، اين مفهوم به منظور بازاريابي و اقتصاد اطلاعات مورد استفاده قرار گرفت. در سال 1994، بيل كلينتون, رئيس جمهور آمريكا,‌ مسئله بزرگراههاي ملي اطلاعاتي را مطرح نمود تا شهروندان به آساني به اطلاعات دسترسي داشته باشند. حوزه‌هاي كتابداري و فناوري اطلاعات، از جمله حوزه‌هاي مرتبط در اين راستا به شمار مي آيد.**

**به دنبال گسترش فناوريهاي اطلاعات و ارتباطات, مفهوم مديريت اطلاعات نيز رواج يافته است. فناوري اطلاعات در امور كتابخانه دگرگونيهاي زيادي را به بار آورده است (حسن‌زاده, 1382). در اين ميان، آنچه مهم است, رويكرد مديريتي به اطلاعاتي است كه خود به عنوان دستمايه مديريت تلقي مي‌شود.**

**پي‌ريزي سياستهاي اطلاع‌رساني**

**سابقة پي‌ريزي سياستهاي اطلاع‌رساني، به برنامه‌هاي ايفلا در زمينه كتابشناختي جهاني، دسترسي به انتشارات,‌ برنامه سازمان ملل در زمينه تبادل اطلاعات علمي (يوني سيست), نظام ملي اطلاع‌رساني (ناتيس) و برنامه اطلاع‌رساني عمومي (جي آي پي) در طول دهه 70 بر مي‌گردد. اين برنامه‌ها در راستاي كنترل توده در حال گسترش اطلاعات در قالب زيربناهاي اطلاع‌رساني انجام مي‌شد (الرحمن,‌ 1379). اكنون با افزايش اطلاعات, توسعه فناوريهاي اطلاعاتي و آگاهي افراد جامعه نسبت به اهميت اطلاعات در انجام امور، تدوين سياستهاي ملي اطلاع‌رساني ضروري به نظر مي‌رسد. آمريكا با ايجاد بنياد ملي علوم (NSF) در سال 1972 به اين كار همت گماشت. فرانسه,‌ بريتانيا,‌ استراليا, سوئد, دانمارك,‌ كانادا و آلمان از جمله كشورهايي بودند كه براي پي‌ريزي سياست ملي اطلاع‌رساني، تلاش كردند. كشورهايي مانند هند و مالزي نيز تلاشهايي را انجام دادند و يونسكو نيز حمايت از پي ريزي سياستهاي ملي اطلاع‌رساني كشورها را جزو برنامه‌هاي خود قرار داده است (همان).**

**به نظر الرحمن, قلمرو سياست اطلاع‌رساني گسترده است و حتي حوزه‌هايي مانند آموزش و پرورش, ارتباطات ملي, سياستهاي فرهنگي, كشاورزي, محيط زيست, علوم, اقتصاد,‌ صنايع, بازرگاني, بهداشت ملي و نظير آن را شامل مي‌شود. اما وي معتقد است كه تدوين سياستهاي ملي اطلاع‌رساني اصولاً يك كار بومي است كه ماهيتي سياسي داشته و هر كشور داراي ويژگيهاي خاص خود است و مسائل مربوط به خط مشي را نمي‌توان از داخل راهنماهاي يونسكو يا ساير سازمانهاي بين المللي در آورد.**

**نتيجه‌گيري**

**از مرور نوشته‌ها و مطالب متن حاضر چنين بر مي‌آيد كه توسعه، فرايندي فراگير است كه تمامي جنبه‌هاي زندگي اجتماعي را در بر مي‌گيرد و تغيير، اصل اساسي و ركن اصلي آن است. آنچه موجب تغيير مي‌شود و فرايند تغيير را تسهيل و تسريع مي نمايد, اطلاعات و اطلاع‌رساني مؤثر است. كه دكتر دياني از آن به عنوان «اطلاع‌رساني براي توسعه» يا «اطلاع‌رساني توسعه مدار» ياد كرده است. اطلاع‌رساني توسعه مدار، مستلزم تلاش همه جانبه مراكز اطلاع‌رساني در راستاي اهداف و وظايف توسعه‌اي معيّن مي باشد. در اين ميان، مديريت اطلاعات و پي‌ريزي سياستهاي اطلاع‌رساني اهميت زيادي دارد و مادام كه سياستهاي اطلاع‌رساني مناسب تدوين نشود و مراكز اطلاعاتي تحت مديريت علمي قرار نگيرند، نمي‌توان انتظار داشت كه اطلاع‌رساني توسعه مدار صورت گيرد. همان‌گونه كه لنكستر معتقد است تمايلات و گرايشهاي كتابداران و اطلاع‌رسانان در مديريت جديد از سه مرحله گذشته است: 1- مقاومت و عدم اعتماد به فناوري كه بيشتر به دليل وحشت از بيكارشدن و مسائلي نظير آن مي باشد. 2- شيفتگي و اعتماد افراطي به فناوري 3- واقع گرايي. در اين مرحله، كتابداران و اطلاع‌رسانان مي‌توانند تعامل منطقي با فناوري داشته باشند و كتابداران با بهره‌گيري از تواناييهاي فناوريهاي نوين به عنوان مهندسان دانش, مفسران اطلاعات و معلم و آموزشگر به فعاليت اطلاع‌رساني توسعه مدار بپردازند. به نظر مي‌رسد براي رسيدن به اين وضعيت، بايد تغييرات و تحولات عميقي در نظام آموزشي و ساختارهاي اطلاع‌رساني جامعه صورت پذيرد. چنانچه تحولات مذكور اتفاق بيفتد، مي‌توان انتظار داشت كه كتابخانه‌ها و مراكز اطلاع‌رساني بتوانند برنامه‌هاي توسعه پايدار را محور كار خويش قرار دهند.**

**منابع**

**Clarck, D. (1996). The future urban world. URBAN AORLD/ GLOBAL CITY. Vol. 46, No. 5, P. 582.**

**ـ ازكيا,‌ مصطفي (1381). جامعه شناسي توسعه. تهران:‌نشر كلمه, ص. 7.**

**ـ تافلر,‌ آلوين(1377). جابجايي در قدرت، ترجمه شهين‌دخت خوارزمي. تهران: نشر سيمرغ.**

**ـ تودارو,‌ مايكل (1366). توسعه اقتصادي در جهان سوم: ترجمه غلام عباس فرجادي. تهران: سازمان برنامه و بودجه.**

**ـ حري, عباس (1372). اطلاعات و توسعه، در: مروري بر اطلاعات و اطلاع‌رساني، تهران:‌ دبيرخانه هيات امناي كتابخانه‌هاي عمومي كشور.**

**ـ حسن زاده, محمد (1382)." كتابخانه‌ها و مراكز اطلاع‌رساني در فرايند توسعه جوامع در حال توسعه، "ويژه نامه ششمين نمايشگاه كتاب خراسان. مشهد، 2 تا 8 دي‌ماه, ص46.**

**ـ داورپناه, محمدرضا (1381). "اطلاعات, كتابخانه و توسعه ملي ". كتابداري و اطلاع‌رساني. ج5,‌ ش1، ص15.**

**ـ دياني, محمدحسين (1379). "تنگناهاي اجتماعي رواني اطلاع‌رساني براي توسعه"، در: مباحث بنياني در كتابداري و اطلاع‌رساني ايران. مشهد: انتشارات كتابخانه رايانه‌اي,‌ ص. 38.**

**ـ سالاري, محمود (1381). "نقش خدمات كتابخانه‌ها در توسعه پايدار". كتابداري و اطلاع‌رساني. ج5, ‌ش1، ص16.**

**ـ الرحمن, سجاد (1379)." سياستهاي ملي اطلاع‌رساني كشورهاي درحال توسعه "، ترجمه اشرف السادات مير شاهزاده. پيام كتابخانه, شماره1,‌ ص27.**

**ـ شاه شجاعي, علي (1377). " اهميت مديريت اطلاعات در عصر فراصنعتي "، فصلنامه كتاب، دوره نهم,‌ ش2,‌ ص35.**

**ـ شاه شجاعي,‌ علي (1378). " نقش ارتباطات و اطلاع‌رساني در توسعه روستايي ". فصلنامه كتاب. دوره دهم،‌ ش3، ص16.**

**ـ طلايي, محسن (1373). توسعه صنعتي در كشورهاي در حال توسعه و نقش**

**--------------------------------------------------------------------------------**

**1. عضو هيئت علمي دانشگاه تربيت مدرس و دانشجوي دكتري دانشگاه فردوسي مشهد**

**1.الف) نقش اطلاع‌رساني مؤثر در مديريت اراضي،‌ فرسايش خاك و توسعه پايدار. در: همايش ملي مديريت اراضي,‌ فرسايش خاك و توسعه پايدار. اراك - 1380**

**ب) كتابخانه‌ها و مراكز اطلاع‌رساني در فرايند توسعه جوامع در حال توسعه. ويژه نامه ششمين نمايشگاه كتاب خراسان. دي‌ماه 1382، ص. 46.**

**1. Sustainability**

**1. Clarck**